

اصلاحات از منظر امام حسین علیه السلام

حمیدرضا قنبری نژاد اصفهانی


بسم الله الرحمن الرحيم

اصلاحات از منظر امام حسین علیه السلام

نویسنده:

حمیدرضا قنبری نژاد اصفهانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اصلاحات از منظر امام حسین (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده : حمید رضا قنبری نژاد اصفهانی

ناشر : حمید رضا قنبری نژاد اصفهانی

درآمد

«اصلاح » و «اصلاح گری » از جمله مباحثی است که دارای سابقه کهنی است . ضرورت اصلاحات و ارزش حیاتی آن ، در قرآن و روایات و نیز در اندیشه دانشوران با تعابیر گوناگون بیان شده است .رهبران ادیان و پیامبران ، خود را مصلح و اصلاح گران جامعه بشری معرفی کرده اند. برخی از آنان نیز در همین راه به شهادت رسیده اند. موضوع اصلاح طلبی ، امروزه در گفتمان سیاسی - اجتماعی بحث مهم و دامنه داری است که اندیشمندان هر کدام به فراخور حال و دیدگاه خود بدان پرداخته اند. اما در این بین ، کسانی بوده و هستند که به نام اصلاح گری به «افساد» مشغول بوده و جامعه را به فساد و تباهی می کشند.یکی از مباحث مهمی که می تواند در بحث اصلاحات رهگشا باشد، تفکیک اصلاحات دینی از اصلاحات غیر دینی است که در روشن شدن مسأله اهمیت به سزایی دارد. بر همین اساس ، در این مقاله سعی شده است ، مبانی و مولفه های بنیادین اصلاحات اسلامی (حسین (ع)) ترسیم شود تا به تصویری روشن از اصلاحات حسینی دست یابیم . این مهم موجب تمییز مصلحان و اصلاحات راستین از اصلاح طلبان و اصلاحات دروغین خواهد گردید.

معنا و مفهوم اصلاحات

پیش از آن که به بررسی اصول و مولفه های «اصلاح طلبی » از چشم انداز دینی ، به ویژه از دیدگاه امام حسین (ع) بپردازیم ، ارائه تعریفی روشن از واژه اصلاح و اصلاحات در تفکر دینی لازم و ضروری است .«اصلاح » به معنای سامان دادن ، بهینه ساختن و به نیکی درآوردن و نیز «درست کردن ، نیکو کردن ، به سازش درآوردن ، آراستن و به صلاح آوردن » است .مرحوم شیخ طوسی می نویسد: «الصلاح استقامه الحال ، والاصلاح : جعل الشی ء علی الاستقامه »؛ یعنی اصلاح معتدل

قرار دادن چیزی است . علامه طباطبایی آن را به «لیاقت و شایستگی » معنا می کند.اصلاح در قرآن ، در مقابل افساد است . افساد یعنی نابسامانی ایجاد کردن و از حالت تعادل بیرون بردن . چنان که راغب اصفهانی می گوید: «الفساد خروج الشی ء عن الاعتدال قلیلاً کان او کثیراً و یضادّه الصلاح ، و یستعمل ذلک فی النفس و البدن و الاشیاء الخارجه عن الاستقامه .»؛ فساد، هر گونه خارج شدن اشیا از حالت اعتدال است خواه کم باشد یا زیاد، و نقطه مقابل آن ، اصلاح است که در جان و بدن و اشیایی که از حد اعتدال خارج می شوند، تصور می شود.المیزان ، این دو واژه را در دو صفت متقابل و متضاد قرار داده است : «فان ـ الصلاح والفساد شأنان متقابلان .» به گفته شهید مطهری : «افساد و اصلاح از زوج های متضاد قرآن است ، زوج های متضاد یعنی واژه های اعتقادی و اجتماعی که دو به دو در برابر یکدیگر قرار گرفته اند و به کمک یکدیگر بهتر شناخته می شوند؛ از قبیل : توحید و شرک ، ایمان و کفر، هدایت و ضلالت ، عدل و ظلم ، خیر و شر، اطاعت و معصیت ، تقوا و فسوق ، استکبار و استضعاف و غیره .برخی از این زوج های متضاد، از آن جهت در کنار یکدیگر مطرح می شوند که یکی باید نفی و طرد شود تا دیگری جامه تحقق بپوشد. اصلاح و افساد از این قبیل است .» قرآن کریم نیز این دو واژه را مقابل هم به کار برده ، می فرماید: (الذین یفسدون فی الارض و لا ـ یصلحون)(والله یعلم المفسد من المصلح)(ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض)از این رو، مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: «فساد عبارت است از تغییر دادن هر چیزی

از آنچه طبع اصلی آن اقتضا دارد، و اصلاح ، باقی ماندن هر چیزی است به مقتضای طبع اصلی اش تا آنچه خیر و فایده در خور آن است بر آن مترتب گردد، بدون آن که به خاطر فسادش چیزی از آثار نیک آن تباه گردد.»و به فرموده رهبر معظم انقلاب :«اصلاح این است که هر نقطه خرابی ، هر نقطه نارسایی ، هر نقطه فاسدی به یک نقطه صحیح تبدیل شود.»از همین جا معنای «عمل صالح » روشن می شود. هر چند قرآن کریم دقیقاً مشخص نفرموده و نام نبرده که عمل صالح چیست ، اما از آثار آن می توان آن را شناخت ؛ از جمله :(شایستگی به درگاه خداست)؛ در مقابلش ثواب قرار داد (کلمه طیّب را بالا می برد).پس عمل صالح یعنی عمل بی عیب و نقص ، خوب ، اصلاح شده ، پاک ، بر اساس تقوا، پسندیده و شایسته ، کار پرسود و فایده برای مومنان و جامعه در تمام زمینه ها.قاعده کلی که از آیات قرآن به دست می آید، این است که عمل صالح باید همراه باایمان باشد؛ زیرا ایمان به عمل جهت می دهد و مصلحان را هدایت می کند. از این رو، منظور از اصلاحات قرآنی ، صرف انجام کار خوب ، از هر کس ، با هر انگیزه و اعتقادی نیست ، بلکه کار شایسته و اصلاح گری باید همراه با ایمان باشد از همین روست که در آیات متعدد، ایمان در کنار عمل صالح آمده و فواید آن ذکر شده است ؛ مانند رسیدن به حیات طیب ، عدم خوف و ترس برای انجام دهنده آن ، جزای نیکو، پاداش کامل نزد خدا، بخشش الهی ، و پاداش دو برابر.به طور کلی ، اعمال صالح در مقابل مال دنیا نهاده شده و بر

آن برتری داده شده است : (المال و البنون زینه الحیوه الدنیا و الباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً و خیرٌ املًا).بنابراین اصلاح طلبی به مفهوم قرآنی ، باید توأم با اعتقاد به خدا و در واقع ، در جهت اهداف الهی باشد.بدین منظور، قرآن کریم رسالت بزرگ پیامبران را اصلاح در زندگی مادی و معنوی انسان ها معرفی نموده ، پیامبران را مصلح می نامد. برای مثال ، حضرت شعیب (ع) هزاران سال پیش فرمود: (ان ارید الّا الاصلاح ما استطعت) و پس از وی حضرت موسی (ع) فرمود: (اصلح و لا تتّبع سبیل المفسدین)مفهوم اصلاح به دلیل بار ارزشی و عاطفی مثبت آن در ادبیات دینی سابقه دیرینه ای دارد. در این جا تنها به سه مورد اشاره می شود:۱- خداوند در قرآن کریم درباره منافقان می فرماید: (چون به آنان گفته شود، در زمین فساد نکنید، می گویند: ما خود اصلاح گر هستیم . به هوش باشید که آنان فسادگرانند ولکن نمی فهمند.)از این آیه و آیات مشابه به دست می آید که افراد و گروه های مختلف همواره با شعارهای زیبا و مورد پسند و مقبول عامه ، کالای خود را عرضه می دارند و بعضاً نیز موفق می شوند با پنهان کردن نیات و مکنونات باطنی خود، به اهداف شومشان دست یابند.۲- فرمان حضرت علی (ع) به مال اشتر است ؛ حضرت امیر (ع) یکی از مأموریت های چهارگانه مالک اشتر را «استصلاح اهلها» در کنار جهاد با کفار، اخذ مالیات و عمران بلاد می دانند. استصلاح نیز به معنای تربیت دینی و اخلاقی است . به عبارت دیگر، اهتمام به تربیت دینی و اخلاقی مردم ، حقی است که مردم بر عهده والی دارند و وظیفه ای بر دوش والی نسبت به مردم است .البته ،

وجود این حق مستلزم درک خاصی از انسان و حقوق و تکالیف اوست که عمدتاً در انسان شناسی الهی و اخلاقی قابل ردیابی است . این حق را در صورتی می توان ردیابی کرد که برای انسان ، غایت و هدفی در نظر بگیریم .۳- به انگیزه قیام امام حسین (ع) و عبارت «انّما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدّی » باز می گردد. مراد حضرت از این تعبیر، اصلاح بدعت ها و رشتی هایی است که به نام اسلام و حکومت دینی ، پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و شهادت حضرت امیر (ع) برجامعه اسلامی تحمیل شده است .هدف امام حسین (ع) بازگشت به سیره پیامبر اکرم (ص) و حضرت امیر (ع) است . به عبارت دیگر، هدف قیام اصلاح طلبانه سیدالشهدا، بازگشت به اسلام ناب محمدی (ص) بوده است که می فرمایند: «انّما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدّی . اریدان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدّی و ابی علی بن ابی طالب (ع)»

آموزه امام حسین در اصلاحات

به طور خلاصه ، اصلاحات حسینی بر مدار و محور «دین » و ارزش های دینی می چرخد. پژوهش گران علوم اجتماعی نهضت عاشورا را واکنشی در برابر ناهنجاری های جامعه آن عصر می شمارند.اگر چه این برداشت در جای خود درست است ، ولی تمام نیست ؛ زیرا ناهنجاری های اجتماعی عکس العمل های متفاوتی را به دنبال دارند.هر تعریفی از هنجارهای اجتماعی ، مؤید این معناست که تحویل یا از میان بردن قواعد مورد پذیرش و احترام جامعه ، ناهنجاری تلقی می شود. در این که سنت های دینی وارزش های انسانی و آرمان های موسس جامعه اسلامی در آن زمان فراموش شده و ازمیان رفته بود، هیچ تردیدی نیست .فجایعی که در روز عاشورا و حتی پیش و پس از آن به وقوع پیوست ، خود

بهترین شاهد بر این مدعاست . به راستی ، چه رخدادهایی موجب شد که تنها ۶۱ سال پس ازهجرت پیامبر اکرم (ص) فرزندان آن حضرت را بدان صورت ناجوانمردانه و سنگدلانه وشگفت آور به قتل برسانند و زنان و کودکان ایشان را به اسارت درآورند؟! جامعه اسلامی به چه درجه ای از انحطاط دینی ، اخلاقی و فرهنگی رسیده بود که در برابر آن حادثه بزرگ دم فروبست و واکنشی از خود بروز نداد؟ عوامل انحراف چه بودند؟ آیا همه جوامع انقلابی با چنین عواملی رو به رویند؟ آیا ممکن است چنان حادثه ای دوباره تکرار شود؟ این ها وده ها پرسش دیگر، پژوهشی وسیع می طلبد که از حوصله این مقال خارج است .تنها می توان گفت : زمینه ها و عواملی که آن نهضت عظیم را به وجود آوردند و آن فاجعه غم انگیز را رقم زدند، عبارتند از:۱- زمامدار جامعه اسلامی نه تنها شرایط لازم برای تصدی منصب حکومت را نداشت که متظاهر به فسق و فساد بود؛۲- ارزش های معنوی از یاد رفته بود و نخبگان جامعه ، که مدیریت فکری وسیاسی را بر عهده داشتند و الگویی برای مردم به شمار می رفتند، به مفاهیم اخلاقی پای بند نبودند؛۳- حکومت نیز فاقد قواعد و معیار بود و قانون و ضابطه ای را در میان کارگزاران معمول نمی داشت . در نتیجه ، ظلم و تبعیض به غایت خود رسیده بود؛۴- بدعت ها و پیرایه های بسیار در دین راه یافته و مذهب وسیله تخدیر مردم و تأمین خواسته های حکام و مفسدان شده بود؛۵- دنیامداری و ماده گرایی ، جهان برین و آخرت را از یادها زدوده بود؛۶- رعب و دنیاپرستی هم چون بیماری ، متدینان را زبون و زمین گیر و آنان را تسلیم پیش

آمـدها کرده بود، دلیری و رادمردی نیز تنهـا در اسـطوره ها به جای مانـده بود.بنابراین ، اصول جامعه ای که پیامبر اکرم (ص) تأسیس کرده بود به راه فنـا می رفت وسـنت هـا و ارزش هـای دینی به فراموشـی سـپرده می شدنـد.انحطاط دینی ، اخلاقی و فرهنگی جامعه ، به ویژه در نیمه اول دهه چهارم هجری ، به اوج خود رسـیده بود. از زمان خلیفه سوم ، اشـرافی گری و بذل و بخشـش های بی حد وحصـر از بیت المال به اقوام و نزدیکان ، متعارف شد و مسلط کردن تبعیدی های عصر نبوی بر مقدّرات جامعه اسلامی و در نهایت ، قدرت بخشیدن به حزب اموی ، خلافت اسلامی را به سلطنت کسری و قیصر مبدل ساخت .اکنون چه کسـی بایـد برای اصـلاح امور قیام کنـد؟ یک فرد انقلابی و اصـلاح طلب ! اما کسـی که به ناهنجاری های جامعه معترض است و ادعای اصـلاح طلبی دارد، بایدپیش از آن که مصـلح شود، صالح باشد؛ زیرا آرمان گرایی و اصـلاح طلبی در سـخن و شعـار خلاـصه نمی شود، بکله در گیری با مشـکلات و معضـلات را طلب می کنـد.از این رو، مصـلح بایـد آگاه ، خودساخته ، مـدیر و مـدبر باشد؛ زیرا اصـلاح اسـلامی ، حرکتی انقلابی است ؛ انقلاب در افکار، فرهنگ ، اخلاق و روحیات انسان ها و به موازات آن ، تغییر در نظام های اجتماعی فاسـد و حاکم بر آن ها.بنابراین ، اصـلاح اسـلامی ، تغییری است در راسـتای رشد و کمـال انسـان ، که هم مبـارزه بـا آداب و عادات ناپسـند را لازم می شـمرد و هم نظام های حاکم بر اجتماع را به رعایت حق و عدالت و انجم اعمال صواب و صـلاح وا می دارد.از این رو، پیامبر بزرگ اسلام (ص) دو جهاد را بر مسلمانان متعهد، تکلیف کرده است ؛ جهاد اکبر یا مبارزه

با تجاوزات و طغیان های نفس انسان و جهاد اصغر، یا مبارزه بادشمنان خارجی و داخلی جامعه اسلامی .امامان بزرگوار شیعه ، زمانی که جامعه انسانی گرفتار فساد شده بود، برای اصلاح آن ، پیروان خویش را به هر دو جهاد فرا می خواندند.چنان که حسین بن علی (ع) به عنوان یک مصلح اجتماعی ، با قیام خود علیه ظلم و فساد، در همان حال که زمینه انقلاب اجتماعی را فراهم می سازد، یاران و هوادارانش رابه تهذیب نفس و تقوای الهی دعوت می کند.این امر نه تنها به لحاظ هدفی که اسلام دنبال می کند، یعنی تربیت انسان های وارسته و خداگونه ، بلکه از جنبه عقلی نیز دارای اهمیت است ؛ زیرا اگر اصلاح طلبان خود صالح نباشند، نه معنای اصلاح را به درستی درک خواهند کرد و نه می توانند بر فساد غلبه یابند؛چه این که در مسیر مبارزه ممکن است پیش از آن که دیگران را به صلاح آورند، خود تسلیم فساد شوند، چنان که بسیاری مبارزان و مصلحان به دلیل عدم خودسازی و تقوای لازم ، خویش را به دشمن تسلیم کرده و یا در صورت پیروزی ، به دلیل همین وابستگی های نفسانی و رذایل اخلاقی ، تشکیلات و نظام فاسدی را بنیان نهادند که در برخی مواقع به مرور از رژیم های گذشته بدتر شدند. پیروزی عباسیان بر امویان و فسادی که بعدها در دستگاه حکومت آنان به وجود آمد، شاهدی روشن بر این مدعاست .از سوی دیگر، اصلاح فردی نیز بدون توجه به اصلاح اجتماعی ره به جایی نمی برد؛ زیرا رشد و تکامل و پالایش انسان در گرو همین مبارزات اجتماعی است .از این رو، اسلام بر اصلاح رهبری سیاسی جامعه تأکید می ورزد و پیروان خویش را

بر رهبران فاسد می شورانـد تـا نظـام هـای جور را مورد تهدیـد قرار داده ، رهبری آنان را به صالحان و با تقوایان بر گردانند. چنان که امام حسین (ع) انگیزه قیام خود را چنین تبیین می فرمایـد:«مردم ! پیامبر خدا (ص) فرمود: هر کس سلطان زورگویی را ببیند که حرام خدا راحلال کرده ، پیمان الهی را در هم شکسته ، با سنت و قانون پیامبر از در مخالفت درآمده ، در میان بندگان خدا، راه گناه و دشمنی در پیش می گیرد، اگر در برابر چنین زمامداری باعمل یا با گفتار خویش مخالفت نکند، بر خداوند است که ، این فرد (بی تفاوت) را به جایگاه همان طغیانگر، که آتش جهنم است ، داخل گرداند.مردم ! آگاه باشید، اینان (بنی امیه) اطاعت خدا را ترک کرده و پیروی از شیطان را پیشه خود ساخته انـد. فساد را ترویج و حدود الهی را تعطیل کرده "فیی ء" را به خود اختصاص داده و حلال و حرام خداوند را تغییر داده اند. در حالی که من به هدایت و اصلاح جامعه اسلامی از دیگران شایسته ترم .»

روش شناسی اصلاح گرایی در نهضت عاشورا

پیش از این که به مؤلفه مهم و بنیادی نهضت امام حسین (ع) بپردازیم ، بهتراست که به تجزیه و تحلیل «روش امام حسین (ع) در حرکت اصلاح گرایانه » نظری افکنیم .بر آگاهان پوشیده نیست که گزینش روش درست ، منطقی ، کارآمد و فراگیر در انجام حرکت و نهضت اصلاحی بسیار مهم می باشد. اگر شرایط اوضاع و احوال جامعه رو به پیچیدگی بیش تر و سخت باشد، انتخاب روش ، دشوارتر خواهد بود.به راستی ، روش چه روشی باید باشد؛ روش فرهنگی صرف ، سیاسی و اجتماعی محض ، روش نظامی و مسلحانه صرف ، روش ترکیبی فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی و یاقیام مسلحانه ؟ هم چنین

این که هر کدام از این روش ها جوهره عقلانی و خردگرایانه محض داشته باشد یا عاشقانه ، عارفانه و جهادی ، بسیار مهم و سرنوشت ساز می باشد.حال ، با رویکردی تاریخی – تحلیلی به قیام امام حسین (ع) و بررسی شواهد حدیثی و روایی در مجموعه سخنان حسین بن علی (ع) باید به درستی دریافت که امام (ع) چه روشی را با چه جوهره ای انتخاب کرد؟ چه تناسب و سنخیتی بین روش وجوهره وجود داشته است ؟ چه همگونی بین روش و جوهره با علل فاعلی و غایی نهضت عاشورا وجود دارد؟آیا جوهره قیام نیز عقلانی – عاشقانه بوده است یا نه ؟ در پرتو پاسخی جامع به این پرسش هاست که می توان تصور و تصویری کلان و جامع از قیام جاودانه کربلا به دست آورد.روش پدیدارشناسی در تحلیل قیام تاریخی امام حسین (ع) ما را به این نتیجه رهنمون می کند که امام حسین (ع) در نضهت خود، اهداف روشن و روش های شفاف و زلال را برگزید و در تمام سخنان و نامه های خود، در هر مناسبتی بر اهداف و روش های خود تأکید داشت و حتی شعارهای وی متناسب با اهداف و روش هایش بود.به طور مثال ، امام (ع) در تبیین هدف ها، هدف اصلاح جامعه نبوی را، احیای ارزش ها و معیارهای اصیل اسلامی ، نفی و محو بدعت ها و از بین بردن آفات وآسیب های فرهنگی و اجتماعی ، که اسلام ناب محمدی (ص) را تهدید می کرد، زنده کردن شعایر دینی ، اقامه حق و عدالت اجتماعی ، نابودی استبداد، ظلم و فسق و فجور، اعتلای کلمه توحید، احیای روش کارآمد و سعادت بخش پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) در جامعه ، خرافه زدایی از چهره اصیل دین ، دیندار نمودن

جامعه در عرصه های گوناگون و حوزه های مختلف فکری و عملی و در روش ها، روش جهاد و مبارزه و احیای عنصر امر به معروف ونهی از منکر و در واقع ، ترکیب فرهنگی (احیای اصول ، حقایق دینی و اصلاح امت اسلامی)، سیاسی و اجتماعی (اصلاح مدیریت و حکومت ، استبدادزدایی و اقامه عدل) و جهاد مسلحانه ، خروج علیه خلافت غصبی و خلیفه فاقد صلاحیت برای اداره جامعه اسلامی و... می دانند.جوهره و روح قیام فرهنگی ، اجتماعی و مسلحانه امام حسین (ع) نیز عشق و دردبود؛ درد دین و غیرت دینی که از درک عمیق ، روح بلند و ژرف الهی و اوج دینداری اوسرچشمه می گرفت .درک شرایط فرهنگی و اجتماعی اسلام و اقتضای زمان (زمان شناسی امام (ع)) نیز عامل مهم حرکت علیه خلافت و خلیفه حاکم بود که عشق و خون در باطن و جان مایه قیام تجلی یافت .بنابراین ، قیام خونین سرخ حسینی شکل گرفت و امام (ع) در وداع با قبر نورانی پیامبر (ص) از «و ان یراک قتیلاً» سخن به میان آورده و هنگام حرکت از مکه به کربلا نیز ندای استرجاع «انا لله و انا الیه راجعون » سردادند.چهره قیام خود را از مدینه تا کربلا و از کربلا تا مدینه ، یعنی حرکت دورانی که دایره عشق ، شهادت ، پیام و خون بود، ترسیم کردند تا حوزه وظایف و رسالت ها مشخص باشد.عده ای از سرعشق ، خون خود را هدیه اسلام اصیل و ناب کردند و گروهی نیز از سرعشق از کربلا تا کوفه ، شام و مدینه ، کاروان آزادگان را در پیام رسانی به راه انداخته و با بصیرت انجام وظیفه نمودند که در اصل ، وظیفه گرایی و تکلیف محوری روح جهاد، شهادت ، اسارت ظاهری

و حریت واقعی بود تا مسلمانان همه اعصار بدانند که اسلام شناسی ، وظیفه شناسی ، زمان شناسی ، دشمن شناسی ، ولایت شناسی ، و ولایت مداری از اصول مهم حیات دینی و زندگی اسلامی آنان خواهد بود. البته ، به تعبیر حسین بن علی (ع) در همیشه تاریخ «قل الدیانون » نمودار خواهد شد.در قیام اصلاحی و نهضت احیایی امام حسین (ع) هدف ها، شعارها، مسیرهای قیام و حرکت روشن و روش ها نیز بسیار روشن و شناخته شده و دست یافتنی است و هیچ نکته مبهم و نقطه متشابهی در قیام الهی آن حضرت وجود ندارد. عجیب است که نه تنها کلیات قیام امام ، بلکه جزییات نهضت حضرت نیز روشن و مستند در تاریخ است وبسیارحیاتی ، مهم و دخیل در تحلیل قیام می باشند و این خود معجزه ای در قیام معصومانه ، آسمانی ، توحیدی و عدالت خواهانه امام حسین (ع) است .پس ، انتخاب روش امام حسین (ع) نیز الگویی برای گزینش روش ها و اصلاح گرایی و احیاگری است .بدیهی است که امام (ع) با درک صحیح و همه جانبه مسأله ، روش کردن هدف ها، شعارها، آگاه سازی مردم ، اتمام حجت ، دین محوری ، عدالت گرایی ، احیای امر به معروف و نهی از منکر، ظلم ستیزی ، دلسوزی برای مردم و نسل های مختلف جامعه ، آینده نگری ، حفظ حقوق و کرامت انسانی و آزادی خواهی ، به وظیفه خویش عمل نموده اند.در نهضت اسلامی نیز، که نهضتی حسینی بود، امام خمینی از همان ابتدا هدف ها و استراتژی حرکت و قیام خویش را علیه طاغوت مشخص کرد و روش مبارزه خویش را روش فرهنگی ، سیاسی و اجتماعی قرار داد و در همه عرصه ها، حقیقت ، عدالت و حریت را در اسلامیت ناب جست و جو نمود؛نظریه حکومت اسلامی را نظریه ولایت فقیه قرار

داد؛ اساس نهضت خویش را احیای اسلام اصیل فراموش شده ، مهجور، منزوی و ناب محمدی قرار داد و ندای بازگشت به صدر اسلام ، اسلام پیامبر (ص) و علی (ع) را سر داد و همواره انقلاب اسلامی را انقلابی احیاگرانه و اصلاح طلبانه در ابعاد فکری ، فرهنگی ، اخلاقی ، سیاسی ، اجتماعی واقتصادی توصیف می نمود.

مولفه های اصلاحات حسینی

اهتمام به دین

یکی از اصول و مؤلفه های اصلی اصلاح گری مدرنیستی ، دین زدایی و مخالفت بادین است . اما در اصلاحات حسینی (ع) اهتمام به دین و احیا و اصلاح ارزش های دینی ، عنصر اصلی و محوری اصلاحات می باشد.اساساً قیام امام حسین (ع) این بود که در عصر ایشان ، انحرافات و بدعت هایی دردین رسوخ و نفوذ کرده و چهره واقعی دین را تغییر داده بود.از آن جا که نظام حاکم ، به تعالیم دینی اهتمام نمی ورزید، آن حضرت در صدد اصلاح و احیای دین برآمدند. از سخنان و خطابه های امام حسین (ع) به خوبی به دست می آید که هدف امام (ع) از قیام ، نه حکومت و ریاست و نه اغراض فردی و امور شخصی ، بلکه مبارزه با انحرافات و بدعت ها در دین بوده است .در عصر امام حسین (ع) وضع اسلام و مسلمانان و حکومت به حدی بد و غیر قابل پذیرش شده بود که وظیفه هر مسلمانی اظهار مخالفت و جلوگیری از انحراف و سقوط آن بود.

تشکیل حکومت دینی و نفی سکولاریزم

یکی از اصول اساسی و مهم اصلاحات مدرنیستی و شبه مدرنیستی ، سکولاریزم وجدا سازی ساحت دین از ساحت سیاست می باشد؛ بدین معنا که اصلاح طلبان غربی وغرب زده سعی می کنند دین را از دخالت در قلمرو سیاسی - اجتماعی دور نگه دارند و منحصر و محدود در امور شخصی و فردی نمایند.در مقابل ، حرکت اصلاحی امام حسین (ع)، حرکتی سیاسی - اجتماعی بود و با این حرکت خود، بر علیه چنین تفکر و جریانی (تفکر سکولاریستی) قیام نمود.حضرت با قیام خونین خود نشان داد که مرز سیاست از دیانت جدا نیست و در اسلام بین این دو، همگرایی و هماهنگی وجود دارد و هر وقت

در رأس حکومت ، زمامداران و حاکمانی فاسد قرار گیرند که لیاقت منصب حکومت و کشورداری را ندارند باید بر علیه آنها شورید و از منصب حکومت عزل کرد.حرکت اصلاحی امام حسین (ع) دارای ابعاد و اضلاع مختلفی است که جنبه سیاسی و اجتماعی (یعنی تشکیل حکومت دینی) یکی از آنهاست ؛ چرا که در زمان ایشان ، معاویه و پسرش یزید، عملاً سکولاریزم را ترویج می دادند، به عنوان نمونه وقتی که معاویه بر خلافت استیلا یافت ، بلافاصله به عراق آمده ، در سخنرانی خود به مردم اخطار نمود که من با شما سرنماز و روزه نمی جنگیدم ، بلکه می خواستم بر شما حکومت کنم و به مقصود خود رسیدم .مرحوم علامه طباطبایی در مورد این سخن معاویه می فرماید: «معاویه با این سخن اشاره می کرد که سیاست را از دیانت جدا خواهد کرد و نسبت به مقررات دینی ضمانتی نخواهد داشت و همه نیروی خود را در زنده نگه داشتن حکومت خود به کار خواهد بست و البته روشن است که چنین حکومتی سلطنت و پادشاهی است ، نه خلافت و جانشینی پیغمبر خدا».برخی از روشنفکران با مردمی خواندن نهضت و قیام امام حسین (ع) وانمود می کنند که حرکت امام (ع) صد در صد به خواست خود مردم بوده است و از این سخن ، جدایی دین از سیاست را نتیجه می گیرند!در خصوص این سخن ، پرسش ها و نقدهای فراوانی مطرح است که به دلیل ضیق مجال ، تنها به یک نکته اساسی اکتفا می کنیم .یکی از اهداف قیام امام (ع)، اصلاح جامعه اسلامی و احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر است . آن حضرت هنگام ترک مدینه ، بر این مطلب تأکید می کنند: «انما خرجت لطلب الاصلاح

فی امه جدی ، ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر.»معنای این سخن این است که اگر امام از عدم تشکیل حکومت و هم چنین از نقض عهد مردم کوفه نیز مطمئن بود، هرگز دست از نهضت اصلاح گرانه خویش برنمی داشت ؛ چرا که انگیزه اصلی و اولی آن حضرت ، احیای دین بود و مسأله حکومت وزمام داری در مراحل بعد اهمیت قرار داشتند.بنابراین ، این ادعا که حرکت امام حسین (ع) صد در صد مردمی و در جهت نیل به زمامداری بود، موافق منابع روایی و تاریخی و سخنان خود حضرت نیست .

نفی فردگرایی و قیام خدا محورانه

فردگرایی غربی ، آن گونه که در بستر اومانیسم شکل گرفت و منتهی به سودانگاری مطلق گردید، هرگز در اسلام پذیرفته نیست ؛ زیرا فردگرایی ، ارزش و اخلاقی ناصواب است .انسان ، مدار و محور اخلاق و ارزش ها نیست . بلکه باید بدان ها پای بند باشد. اصول و پایه های اخلاقی و قضایای ارزشی ، امور عینی و مستقل از ذهنیت و خواست ومیل آدمیان است .از همین روست که مبانی اصیل اخلاقی ، مطلق و پالوده از نسبیت هستند. سرّعینی بودن و مطلق بودن امهات قضایای اخلاقی آن است که این قضایا در واقع بیانگر وجود رابطه واقعی میان عمل اخلاقی و کمال نهایی و روحانی آدمی اند.اگر عدالت ، خوب است و اگر خیانت و جنایت ، بد، از آن روست که این امور به واقع موجب کمالاتی روحانی و یا خساراتی معنوی در باطن و حقیقت انسان می شوند، نه آن که به دلیل کارکرد اجتماعی مثبت این قضایا یا گرایش و ترجیح ذهنی طرفداران آن ها مقبول افتاده اند.قیام و نهضتی که امام حسین (ع) بر پا نمودند، نهضتی خدا محورانه و الهی بود، نه فردگرایانه

و بر اساس مصلحت فردی .این تصور که قیام حضرت (ع) به دلیل مصالح فردی و انتقام گیری از خاندان بنی امیه است ، توهمی باطل و غرض ورزانه است که منشأ آن عدم معرفت به ساحت قدس و ملکوتی ائمه (ع) و از جمله امام حسین (ع) می باشد.تمامی حرکات و سکنات امام حسین (ع) و از جمله اصلاح گیری ایشان ، هیچ صبغه ای جز صبغه الهی نداشت و رضای الهی در همه حال ، مورد توجه ایشان بود.قیام عاشورا چون رنگ خدایی داشت ، جاویدان و پیروز شد. به تعبیر حضرت امام (ع)، «شکست نبود کشته شدن سیدالشهداء، چون قیام لله بود، شکست ندارد.»«آگاه بودند که ما آمدیم ادای وظیفه خدایی بکنیم ، آمدیم اسلام را حفظ کنیم .»

قرائت واحد از دین ، مبنای اصلاحات حسینی

روشن است که جامعه بدون استعداد و بهره گیری از ارزش های الهی ، در ادامه حیات اجتماعی خود، دچار انحرافات و مشکلات هنجاری خواهد شد؛ چرا که رفتار و اعمال اجتماعی افراد در جامعه ، مبتنی بر ارزش های حاکم بر آن می باشد.بر این اساس ، معاویه که ارزش های الهی و خاندان نبوت را از جامعه اسلامی کنار گذاشته بود، در صدد برآمد تا با ترویج افکار التقاطی و قرائت های دیگر از دین ، این نقیصه را جبران کند. از این رو، وی به ترویج تفکر «مرجئه »، که قرائتی جدید از ایمان بود، پرداخت .او مدعی بود که ایمان قلبی برای انسان کفایت می کند. مبنای اصلاحات امام حسین (ع)، بر پایه یک قرائت از دین بود و بر اساس همین قرائت واحد، به مبارزه با سایر قرائت ها پرداخت .اگر قرائت های مختلف از دین صحیح باشد، آن گونه که پلورالیست ها مدعی اند، دیگر اصلاح گری ، امر به معروف و نهی از منکر، قیام برای عدالت

اجتماعی و... معنا و مفهومی ندارد؛ چرا که بر اساس قرائت های مختلف از دین ، هر کسی برای خود فهم و قرائتی از دین دارد و همه این قرائت ها نیز صحیح می باشد.امام حسین (ع) یک قرائت از دین دارد، یزید قرائتی دیگر و هر دو بر حق اند! لازمه چنین نگرشی ، آنارشیسم و شکاکیت تمام عیار است که هم با اصول و قواعد عقلی و برون دینی ناسازگار است و هم به لحاظ درون دینی ، یعنی کتاب و سنت ، باطل می باشد.اگر تمامی قرائت ها صحیح اند، پس چرا اسلام دعوت به مبارزه با ظلم و طاغوت و... کرده است ؟ اگر قرائت های مختلف همه بر حق اند، پس چرا امام حسین (ع) در مقابل این قرائت های صحیح ! قیام کردند؟ امام (ع) با قیام و اصلاح گری خود نشان دادند که هر قرائتی از دین بر طریق صواب نیست و باید در مقابل قرائت های انحرافی و بدعت آمیز از دین ایستاد.

اصلاح همه جانبه

مصلحان غربی و غرب زده بر این باورند که اصلاح دین یعنی بازگشت به تجارب دینی ، نه بازگشت به تمامیّت دین .اما اصلاحات امام حسین (ع)، بر خلاف تجربه گرایان - که با تحویل و تنزل دادن دین به تجربه دینی ، فقط یک بعد از دین را اخذ کرده و ادعای بازگشت به آن را دارند -اصلاحات همه جانبه و چند بعدی بود.آن حضرت با قیام خویش در صدد اصلاح تمام جوانب دین از جمله معارف ، شعایر، اخلاقیات ، ارزش ها، احکام و مناسک دینی بود چرا که در زمان ایشان ، هم عقاید مردم سست و متزلزل شده بود، هم احکام الهی رو به تعطیلی می رفت و هم ارزش ها واخلاقیات دینی به دست

فراموشـی سپرده شـده بود.بر اساس عقیده تجربه گرایان دینی ، که گوهر دین را تجربه دینی قلمداد می کنند و سایر ابعاد دین مانند بعد معرفتی ، اخلاقی و... را در حاشـیه و صدف دین قرار می دهند، اصـلاح در عقاید، اخلاقیات و... دین ، لازم نیست ؛ چرا که این هـا امـوری عرضـی محسوب می شونـد.اما امـام حسـین (ع) بـا اصـلاحات همه جـانبه خویش ، نشـان داد که نبـاید گذاشت هیچ بعدی از دین دچار آسیب و آفت شود و در صورت آسیب پذیری ، باید در صدد اصلاح آن برآمد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹